

زنان مشهور

الیزابت ملکه انگلستان

ما در شماره سوم وعده دادیم که در هر شماره شرح حال یکی از بانوان مشهور بنکاریم ولی بواسطه مسافرت نگارنده مقاله به فارس موفقی بانجام وعده خود نشدیم. اینک بوعده خود وفا کرده بشرح حال الیزابت ملکه انگلستان میپردازیم.

الیزابت دختر هانری هشتم بعد از وفات خواهرش ماری براریکه سلطنت جلوس نمود این ملکه دارای تمام صفات و مزایائی بود که مردان نامی و نوابغ انگشت شمار بدو متصف هستند، ولی معهداً از لطافت و رقت شمایل و شدت انفعال و حب خود آرائی که از مزایای جنس لطیف است بهره وافی داشت خیلی به آرایش لباس و یاکبزیگی و ظرافت اهمیت میداد، و به درجه شیفته جمال خویش بود که ابدأ نمیتوانست خوشکل تر از خود را به بیند. زبان های لاتینی و فرانسه و ایتالی و اسپانی و فلمنکی را بخوبی بیاموخت و کتابی را از ایتالیائی به انگلیسی ترجمه نمود، بیشتر اوقات فراغت را بمطالعه تاریخ صرف میکرد.

ملت انگلیس از جلوس این ملکه دانشمند عالم بی اندازه اظهار مسرت و خوشوقتی نمود و سلطنت او را بقال نیک گرفتند که جبران مظالم و سفاکیهای خواهرش ماری را بنماید و همینطور هم شد. الیزابت از بدو جلوس بسط عدل و داد و اعطاء آزادی و جهت نظر خویش قرار داده لحظه از فکر آسایش رعایا و ترقی ملت خویش غفلت نمینمود. بطوریکه همه را هوا خواست و ثناخوان خویش کرده و از بزرگترین خدمات او این است که ولیم سیسل صلح و سیاسی معروف را بوزارت انتخاب نمود و مشار الیه با کمال صداقت مشغول خدمت گذاری شده تمام اوقات شبانه روزی خود را صرف راحت مردم و آبادی مملکت مینمود تا جائیکه بزرگتر مقامی در میان معاصرین خویش و در قلوب ملت احراز نمود.

الیزابت از پروتستانها که در آنوقت در فشار بودند بی اندازه باری و مساعدت میکرد و برای انتشار این مذهب میکوشید ولی در عین حال عقاید دیگران را نیز محترم میداشت پاپ بیوس چهارم خیلی کوشید که او را بمذهب کاتولیکی برگرداند ولی مساعی او بهدر رفت

در سال ۱۵۶۳ پارلمان از او در خواست کرد که محض اینکه مملکت بعد از او بی پادشاه نماند شوهر اختیار کند. و در اثر پیشنهاد پارلمان تمام اعیان و اشراف مملکت داوطلب این ازدواج گردیدند همینطور پادشاهان ممالک دیگر مثل شارل نهم پادشاه فرانسه و کارلوس پسر پادشاه آلمان و فلیپ دوم پادشاه اسپانی شوهر خواهرش ماری. لیکن دست رد بر سینه همه گذارده. جواب داد همانطور که مایلیم در مملکت خود آزاد باشم میل دارم که در نفس خویش نیز آزاد بمانم

ولی یکی از بزرگان مملکتش مسمی به « ارل لستر » بی اندازه تعلق خاطر داشت، او نیز بدرجه سر مست باده توجه و اقبال مسلک بود که تصور میکرد جز زوجه اش مانعی برای همسری مسلک انگلستان ندارد و بواسطه این خیال خام بقتل زوجه بیچاره اش مبادرت نمود. ولی الیزابت از قبول او سرباز زد زیرا در عشق ورزی نیز علو مقام خود را از دست نمیداد بواسطه طرفداری و تقویتی که از پرستانهای اسکاتلند مینمود. بعدی در آنجا نفوذ بهم رسانید که اهالی آنجا از ملکه خود ماری استوارت متنفر شدند چه بر کاتولیکهای اسکاتلند و انگلند ماری استوارت را حامی مذهب خویش میدانستند و این هم یکی از موجبات نفرت پروتستانهای اسکاتلند از او بود بعد از آنکه ماری استوارت شوهرش را بقتل رسانید و مردم بر ضد او شورش نموده او را گرفتار کرده در یکی از قلاع بند نهادند (۱) ماری استوارت چون از طول حبس بستمه آمد بخاله زاده اش الیزابت ملتجی گردید ولی مفاد کالمستجیر من الرضاء بالنار در باره او صارق آمد چه الیزابت او را از محبس اسکاتلند نجات داد ولی خود او را محبوس نمود و

(۱) پسرش جیمس که بعد اسکاتلستان و اسکاتلند را یکی و متحد ساخت در محبس متولد گردید

مدت ۱۸ سال در گرفتاری او بماند. هر چند که چندین دفعه رای فرار حیلہ بر انگیخت ولی بد بختانه حیلہ او کارگر نشد و در سال ۱۵۷۷ که يك حزبی بر ضد الیزابت دسیسه مینمود از بیم آنکه شاید ماری استوارت نیز در آن دستی داشته باشد او را محاکمه نموده با چند نفر از توطئه کنندگان دیگر بقتل رسانید.

در ایام او و کشتار هولناك مشهور در فرانسه بعلمت اختلاف پروتستان و کاتولیک واقع گردید. پادشاه اسمی فرانسه در آن وقت شارل ملقب به ضعیف بود. ولی در واقع و نفس الامر مادرش کاترین سلطنت میکرد که او را مجبور بامضای حکم قتل پروتستانها نمود و در نتیجه آن حکم یا جهالت و تعصب احمقانه يك زن سفیه جویهای خون در تمام شهر های فرانسه جاری شده و چنانکه میگویند قربانیهای آن محزره هولناك به پنجاه هزار نفر بالغ گردید. بقسمی تعصب مذهبی چشم و گوش آنها را بست که بقتل و نابودی يك چنین عده عظیمی از هموطنان خود تن در دادند آری در آن ایام تعصب جاهلانه و حماقت کشیش ها پیوسته اروپا را بخساک و خون آغشته نموده بود.

و بخلاف روح دیانت مسیح که بصلح و مسالمت امر مینماید همواره مردم قربانی هوی و هوس تجار دین فروش بودند و طوری این هنگامه را گرم کرده بودند که دول اروپا را به دو قسمت منقسم کرده یکدسته هواخواه پیشرفت پروتستان و دسته دیگر خواهان پیشرفت و غلبه کاتولیک بودند و همواره آتش جنك و جدال بین این دو دسته مشتعل بود چنانکه از اوائل قرن ۱۶ تا نیمه قرن ۱۷ مسیحی مردم اروپا کمتر روی آرامش دیدند و صلح نابتی که بجنکهای مذهبی خاتمه داد فقط صلح مسمی به سرار بستگالی است که در سال ۱۶۴۸ منعقد گردید. در آن روز های تاریك که جان و مال و ناموس مردم دستخوش کشیش ها و مدعیان دیانت بود سکنه اروپا که اغلب آنها فرانسوی و هولندی و جرمن بودند محض آزادی عقیده بترك دار و دیار خود میکفتند و بممالک خارجه مهاجرت مینمودند و بیشتر آنها بانگلستان که در آن روزگار مهسد آزادی بشمار میرفت رو آورده در سایه

عدل و داد الیزابت رحل اقامت می افکندند. هجوم مهاجرین فوق بانگلستان تأثیر عظیمی در آبادی آن مملکت و رواج بازار علم و هنر نمود چنانکه هولندیها و جرمن ها استعمال و صنعت ساعت را رواج دادند و فرانسویها بسیاری از علوم دیگر که در انگلستان یا مجهول و یا ناقص بود بمردم آموختند زراعت گوجه فرنگی و تنباکو و بسیاری از محصولات دیگر از آنوقت معمول گردید

یاب سکستس پنجم و فلیپ دوم پادشاه اسپانی بگناه اینکه الیزابت طرفدار آزادی عقاید بود در دشمنی و مخالفت با او هیچ فرو گذار نمیگردند. ولی او در مقابل آنها ایستادگی نمود. فلیپ دوم برای نشر مذهب کاتولیک به مملکت هولند لشکر کشی نمود و آهسته ظلم و جنایت و سفاکی از او سرزد - حس نوع دوستی الیزابت را و ادار بحمايت هولندیها نموده برای جلوگیری از فجایع اسپانیها بان کشور لشکر کشید و پس از آنکه مملکت را از آنها پیرداخت به درجه با مردم خوش رفتاری و مهربانی نمود که عموم ملت هولند از جان و دلخواه او گشته از او در خواست و تمنا نمودند که مملکت آنها را ضمیمه نموده آنها را بسلطنت خویش مفتخر سازد ولی مشارالیها برای اینکه خدمت خود را آلوده باغراض خصوصی ننماید از قبول این ملتس استنکاف نموده پس از اخراج دشمن و تأمین مملکت آنها را بحال خود گذارد. ما میتوانیم الیزابت را در عهد خود حامی ملل ضعیفه و اقوام مظلومه نام گذاریم چه هر جا يك حریص طماع بمملکتی حمله مینمود الیزابت بحمايت آن ملت مظلوم بر میخواست چنان که هنگام حمله فلیپ دوم بفرانسه نیز الیزابت بحمايت فرانسویها تجهیز اردو نمود و به کشتی های خود امر داد که بسواحل اسپانی دست اندازی نموده و آنها را بخود مشغول سازند که نتوانند در فرانسه پیشرفتی نمایند. کشتی های او با آنکه آنوقت در مقابل قوای دریائی اسپانی ضعیف بود بافتح و فیروزی و غنائم بیشمار مراجعت نمودند

بعد از این واقعه پاپ اعلان جنگ مذهبی به او داده و فلیپ دوم

به دست آویز اینکه شوهر ماری خواهر الیزابت بوده خود را وارث شرعی تاج و تخت انگلستان خوانده بگذسته جهاز جنگی که در آنوقت کسی نمیتوانست روی دریا حریفش گردد مأمور حمله به انگلستان نمود ولی بمدلول تجری الیریا بما لا نشتهی السفن باد مخالفی بر آنها بوزید و طوری آنها را تار و مار نموده که عده زیادی را غرق و تلف ساخت و بقیه السیف نیز طعمه آتش توپ های کشتی های انگلیس گردید و قسمی قوای در بانی اسپانی که تا آن روز منحصر بفر د بود متلاشی ساختند که دیگر ملت اسپانی بجبران آن موفق نخواهد گشت .

در آن ایام کشتی های بخاری برای اکتشاف ممالک مجهوله و استعمار بنقاط دور دست زیاد آمد و رفت مینمودند ملکه الیزابت بی اندازه آنها را تشویق و تقویت مینمود و به آنها امر داد که کشتی های خود را کاملا مصلح نمایند

۴۶۵

خلاصه روز بروز قدرت و شوکت او رو باز زیاد میکند و بهمان اندازه هم عشق و دل بستگی او به ارل استر رو بفرونی می نهاد و بعدی دلباخته او بود که يك لحظه تاب مفارقت او را نداشت خیانت های متعدد و کنایان بی شماری را که مرتکب میگردد عفو و اغماض مینمود و حتی بخاطر خواهی و بذل و بخشش که درباره دربار او مینمود اکتفا نکرده بلکه از وزیرایش تقاضا نمود که او را در رتبه دوم ملکه بشناسند - وزراء مدتی برای جواب دادن مهلت خواستند و بی اندازه در این باب متحیر بودند، چه نمیخواستند که ملکه را برنجاندند و پیشنهاد او را رد کنند و نه هم اعتراف بچنین مقامی جایز و مصلحت میدانستند در این اثناء که وزراء سخت متحیر و درمانده بودند ملك الموت قضیه را حل نمود و ارل استر را از میان برداشت . الیزابت بی اندازه از مرگ او غمگین و ملول گردید ولی چندان طولی نکشید که او را فراهموش کرده خاطرش صید دام يك جون رعناى دیگری گردید . با آنکه جوان مزبور دارای رتبه و مقامی نبود چون گوشه چشم ملکه بدو بود او را بمناسب عالیه ترقی داد تا آنکه یکی از رجال مملکت بشمار آمد ولی بمدلول جوانان خرمنند

و خوب رخسار و لیکن در وفا با کس نپایند .
 همانطور که ملکه گرفتار کمند او گردید دیگری نیز او را گرفتار
 دام خود نمود . همینکه ملکه از این ماجرا با خبر شد او را گرفتار کرده و حبس
 نهاد . لیکن آتش عشق بر حس قهر و غضب غالب آمد و بزودی او را زها کرده و باز
 مشمول مراحم و الطاف خویش نمود

سپس او را بمأموریتی بایرلند فرستاد چون از عهده انجام مأموریت
 خویش بر نیامد مجدداً او را گرفتار و محاکمه کرده بعد از محاکمه و اثبات
 تقصیر او را بقتل رسانید . ولی دبری نکشید که از کرده خود نادم شده شب
 و روز از اندوه فقدان معشوق خویش بگریه و زاری سر میگرد . و این غم و
 اندوه طوری او را ضعیف و رنجور نمود که پس از چند سال در عمر هفتاد
 سالگی جهان نایبدار را بدرود گفته و برای جاویدان شتافت . و بوفات
 او خانواده اتیودریه منقرض گردید

خلاصه سلطنت این ملکه تا آن ایام از فرخنده ترین ایام انگلستان
 بوده و باین واسطه هنوز ملت انگلیس نام او را مقرون بتعظیم و احترام یاد
 میکنند ، روزگار این پادشاه آغاز شروع باختراع است . قوای دریائی انگلیس
 و کشتی های تجاری آن ملت در عهد فرخنده او رونق گرفته و ملت انگلیس
 مانند هاله کره زمین را احاطه نمود . شرکت های تجاری آنها در هند و
 امریکا و سایر نقاط عالم تأسیس گردید . شعراء و فلاسفه و سیاسیین و سپه
 سالاران نامی همه در عهد او ظهور نمودند . چنانکه لورد بیکن که بجرای
 فلسفه لاهوتی را به طبیعی تغییر داد . ولیم سسیل سیاسی مصلح و محنت معروف
 سرولتر مؤرخ شهر انگلیس - شکسپیر شاعر بی مثل و مانند و سایر اعظام
 انگلستان از مفاخر ایام این ملکه میباشند که در سایه عنایت و تشویق و
 قدر دانی و بذل و بخشش او باین پایه و مقام رسیده اند .

بمبارت دیگر انگلستان در عهد او مهد آزادی و مرکز علم و فلسفه
 و شعر و ادبیات و قبله دانشوران اروپا گردید .

ما فقط میتوانیم در میان سلاطین ایران ایام او را بارز کار سلطان
 ناهدار دانش دوست یمین الدوله محمود غزنوی تشبیه کنیم